

محیط زیست و استراتژی حقوق اسلامی

سید علی میرابراهیمی* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

دریافت مقاله: 89/8/7

پذیرش نهایی: 89/9/25

چکیده

در این پژوهش به یکی از دغدغه‌های قرن حاضر، یعنی جلوگیری از انهدام محیط زیست پرداخته می‌شود، که برای حفظ آن اصلاح و تصویب قوانین داخلی کشورها و در سطح بین‌المللی معاهدات و قطعنامه‌های الزام آور امری ضروری به نظر می‌رسد. سؤال اینجا است که با توجه به اهمیت موضوع، و با ملاحظه اینکه تصویب قوانین مربوط به حفظ محیط زیست نیازمند تأیید و تقریر قانونگذار اسلام - طبق اصل 72 قانون اساسی است، احکام اسلامی چه رویکردی در این باره دارد؟ بر این اساس مقاله حاضر از نظر هدف بنیادی و مبنای روش آن توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از روش تحلیل محتوا به تبیین موضوع پرداخته است. فرضیه تحقیق براین امر استوار است که کاهش تخریب محیط زیست با انگاره‌های اعتقادی مبنی بر قداست عناصر طبیعت رابطه دارد و توصیه‌های دینی جنبه‌های تربیتی در مورد چگونگی برخورد با طبیعت را ترسیم می‌کنند. این مقاله قصد دارد جایگاه عناصر محیط زیست و اهمیت آن در دیدگاه اسلام و چگونگی تأیید شریعت اسلام بر قوانین نوین حقوق محیط زیست را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: محیط زیست، قوانین موضوعه، حقوق اسلامی

E-mail:

*نویسنده مسئول: 09194465197

drmirebrahimi@iaurasht.ac.ir

1. مقدمه

حفظ و بهبود محیط زیست یکی از اساسی ترین اهداف کشورهای جهان امروز را تشکیل می‌دهد و در واقع مهمترین دغدغه قرن حاضر دولت‌های بین‌المللی به شمار می‌آید و به تبع نیل به آن قوانین حمایتی مختلفی از سوی دول جهانی وضع گردیده است و بشریت می‌کوشد تا از تخریب هرچه بیشتر عناصر زیست محیطی بکاهد و اهرم اجرای تمام این تصمیمات به قوانین مصوب کشورها بستگی دارد.

حقوق محیط زیست - به جهت ظهور مصادیق و مشکلات تازه در دنیای صنعتی امروز - رشته‌ای جدید از مباحث حقوق را تشکیل می‌دهد و به دلیل اهمیت این موضوع بسیج جهانی نیز در قرن اخیر بر آن شده تا اقدامی بزرگ برای حفظ محیط زیست در قوانین موضوعه خود داشته باشند (برای اطلاع بیشتر، ر.ک، تقی زاده انصاری، 1374: 31-33). هوشیاری کشورها در فاجعه محیط زیست قرن حاضر به اصول اعلامیه‌های 1972 استکهلم بر می‌گردد که در حقیقت اولین نشست رسمی جهانی در زمینه حفاظت از محیط زیست بود (لواسانی، 1372: 32). بیست سال پس از آن کشورهای جهان در یک کنفرانس مهم بین‌المللی دیگر در شهر ریودوژانیرو در برزیل گرد هم آمدند تا راهکارهای مهم حفظ محیط زیست را عرضه و مبادله نمایند و پس از آن کنوانسیون‌های بین‌المللی زیادی نیز در این راستا تشکیل و به امضاء رسید.

کشورهای اسلامی نیز که بخش بزرگی از جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند دست به تصویب و اصلاح قوانین زده و کشور جمهوری اسلامی نیز در اصل پنجاهم قانون اساسی بر آن تأکید ورزیده است. از آنجائی که شالوده قوانین کشورهای اسلامی را موازین فقه اسلامی تشکیل می‌دهند، طبیعتاً تصویب قوانین در هر موضوعی نباید مغایر با احکام اسلامی باشد. محیط زیست گرچه دغدغه‌ای تازه، اما عنصری است که قبل از حیات بشر وجود داشته و پرواضح است که از نظر قانونگذار اسلام نیز دور نبوده است. در تعالیم اسلامی از اصول عقاید گرفته تا فروع احکام فقهی عناصر طبیعت مهمترین ابزار درک مفاهیم دینی بشمار می‌آیند. نامگذاری بسیاری از سوره‌های قرآن از عناصر طبیعت خود دلیلی بر صحت این مدعاست.¹ عناصر محیط زیست حتی از نظر قانونگذار مقدس، و به نام آنها سوگند یاد شده است.² در القاء و آموزش گزاره‌های اعتقادی چون موضوع رستاخیز از عناصر طبیعت استفاده می‌شود³ و هزاران عنایت این چنینی. در این مقال بر آنیم تا رویکرد اسلام را در مورد محیط زیست و جایگاه آن در

1. سوره‌های رعد، نور، نمل، عنکبوت، طور، نجم، قمر، حدید، شمس، لیل، زلزال، فیل و...

2. والتین و آلزبتون (سوره تین، آیه 1)

3. پیامبر اکرم (ص): هرگاه بهار را دیدید بسیار از قیامت یاد کنید (نهج الفصاحه، ص 324)

احکام فقهی که می‌تواند مبنای جعل قوانین مرتبط با حقوق محیط زیست باشد را بازگو نمائیم.

2. مبانی نظری تحقیق

2-1. محیط زیست

آنچه ما را احاطه کرده، آنچه ما بر آن اثر می‌گذاریم و آنچه ما را متأثر می‌سازد، تشکیل دهنده محیط زیست ما است. بر این اساس همسایه ما، خانه ما و کوچه، خیابان و... به همان اندازه به محیط زیست ما تعلق دارند که جنگل‌ها و پرندگان قسمتی از محیط زیست ما را تشکیل می‌دهند. همچنین خورشید، ماه، سیارات، آب و هوا، همه و همه عوامل و بخش‌هایی از محیط زیست ما می‌باشند. محیط زیست به سه بخش کلی تقسیم می‌گردد، اما باید در نظر داشت که این سه بخش همیشه با یکدیگر در ارتباط بوده، نسبت به یکدیگر کنش متقابل داشته و در عالم واقع هرگز از هم تفکیک پذیر نیستند.

1. محیط زیست طبیعی

این بخش از محیط زیست در برگیرنده قسمتی از فضای سطح کره زمین است که به دست بشر ساخته نشده است. مانند: کوه‌ها، دشت‌ها، جنگل‌ها، دریاها، حیات وحش و امثالهم.

2. محیط زیست مصنوعی یا انسان ساخت

محیط زیست مصنوعی عبارت است از آنچه به دست بشر ساخته و پرداخته شده است. برخی از محیط زیست شناسان این بخش از محیط زیست را «محیط زائیده تفکر» نیز می‌نامند، زیرا پیدایش و فرم و شکل آن حاصل نیروی خلاقه و فکر جامعه می‌باشد. به طور خلاصه شهرهای ما با تمام محتوایشان محیط زیست مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند.

3. محیط زیست اجتماعی

این بخش از محیط زیست از انسان‌های اطراف ما و نیز روابط متقابل ما با آنها تشکیل یافته است. خانواده، همسایه، فروشنده رهگذر، همکاران اداری، ... همه و همه محیط زیست انسانی ما را تشکیل می‌دهند. اینان نیز هریک به سهم خود بر ما اثر می‌گذارند و یا ما آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهیم. بنابراین، محیط زیست انسانی همان جوامع بشریت با تمام شکل‌هایش است (بهرام سلطانی، 1365: 3-5). اما آنچه محور

اصلی بحث را تشکیل می‌دهد در واقع محیط زیست طبیعی و مفهوم ناشی از علوم طبیعت است.

مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می‌شود و در آن با جوامع انسانی با بینشی اکولوژیک برخورد می‌شود. یعنی مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین نیروهای رقیب در طبیعت که زندگی یک گروه بیولوژیک را مقید می‌کند (Priour, Michel; Droit de L'environnement; p:2).

2-2. حقوق محیط زیست

به منظور حفظ تعادل بین عناصر موجود در محیط زیست برای اولین بار در سال 1353 قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست تصویب گردید.

بر طبق ماده 1: «حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آبهای داخلی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد» (تقی زاده انصاری، 1374: 6). در واقع تصویب این قانون تولد رشته‌ای از حقوق با عنوان حقوق محیط زیست بود.

حقوق محیط زیست، ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است. این حقوق در تعیین خط مشی‌ها و اقدامات حفاظتی محیط زیست و همچنین استفاده معقولانه و پایدار از منابع طبیعی مؤثر است و مجموعه‌ای از متون حقوق خاص برای حمایت از عناصر محیط زیست به شمار می‌آید (حبیبی، 1384: 14). به عبارتی دیگر: حقوق محیط زیست تنظیم کننده قواعد و فعالیت‌هایی است تا بتواند صدماتی را پیش بینی کند که انسان‌ها ممکن است به کیفیت محیطی وارد سازند که در آن وارد می‌شوند (Despax, M.; Drouit de L'environnement'p:15).

2-3. نتایج شناخت حقوق محیط زیست

از نظر قانونگذاری، حقوق و آزادی‌ها فقط وقتی می‌تواند منشأ تعهدات حقوقی شود که به قدر کافی روشن و صریح باشد. به این سبب، تکیه صرف بر محافظت از طبیعت به عنوان «منافع عامه» موضوعی بسیار مبهم است و ضمانت اجرایی نیز ندارد. بنابراین، اگر حقوق محیط زیست دارای منشأ قانونی است، باید ملاحظاتی به عمل آید تا محتوا و نتایج آن مشخص شود. در نتیجه- ماورای آثار سیاسی و اخلاقی‌اش- بر اثر چنین اصلاحاتی در جامعه که برای تکمیل و یکسان کردن ریشه‌های حقوق محیط زیست صورت می‌گیرد، این حقوق به عنوان یک آزادی عمومی محسوب شده است و به عبارت دیگر می‌تواند مبنای شناخت و تقویت تعهدات حقوقی دولت‌ها در احترام گذاردن به

محیط زیست قرار گیرد و وسیله‌ای در دست قاضی باشد تا آسیب اکولوژیک را با آن برطرف کند. البته این موضوع از حوزه کیفری مسأله که صدمه رساندن به محیط زیست را جرم تلقی می‌کند و آن را قابل مجازات می‌داند، خارج است (تقی زاده انصاری، 1374: 35). هدف این مطالعه آن است که روشن شود با توجه به اینکه قوانین ایران نباید با قوانین اسلام مغایر باشد، آیا در شرع مقدس اسلام اصولاً احکامی در این مورد (حفظ محیط زیست) پیش بینی شده است یا خیر؟

3. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به عنوان و موضوع آن از نظر هدف بنیادی و روش انجام آن توصیفی و تحلیلی می‌باشد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، روش اسنادی و با استفاده از تحلیل محتوا است. بر این اساس از آنجا که هدف این مقاله بررسی اهمیت و جایگاه محیط زیست در اسلام و استراتژی این دین در زمینه محیط زیست است لذا در این مقاله پس از تبیین چاقوب مفهومی محیط زیست و حقوق آن، آثار و منابعی که در زمینه محیط زیست در اسلام و احکام اسلامی وجود داشته، شناسایی و مطالعه شده، اطلاعات مورد نیاز با روش تحلیل محتوا جمع‌آوری گردید و پس از تنظیم و طبقه‌بندی در راستای اهداف تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

4. یافته‌های تحقیق

4-1. محیط زیست در قانون اساسی

مهمترین تحول در زمینه تقویت مقررات زیست محیطی پس از انقلاب اسلامی، تصویب اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. در این اصل آمده است: در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های آینده باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

درحقیقت با اختصاص دادن یک اصل از قانون اساسی به امر حفاظت محیط زیست بر ضرورت و اعتبار اجرای مقررات مربوط به محیط زیست تأکید شده است. در زمان حاضر با پیشرفت صنعت و امکان تبدیل مواد و استفاده فراوان از آنها به اشکال مختلف، اسباب آلودگی محیط زیست فراهم گردیده، به نحوی که خطراتی را برای نسل حاضر و نسل‌های آینده به وجود آورده است، به همین جهت قانون اساسی هر نوع فعالیتی را که باعث تخریب غیر قابل جبران محیط زیست بشود ممنوع ساخته است)

بنابراین محیط زیست از آن جهت که زندگی و حیات اجتماعی انسانها را در بر می‌گیرد در ردیف یکی از حقوق مسلم اجتماعی قرار گرفته و همه باید در حفظ آن کوشا و از تخریب آن جلوگیری نمایند.

4-2. محیط زیست در اسلام

مسأله محیط زیست از موضوعات نسبتاً جدید جامعه بشری است که به ویژه از دهه 1970 مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. با توجه به این واقعیت، بررسی موضع دین مبین اسلام نسبت به محیط زیست امری ضروری به نظر می‌رسد به ویژه این که طبق اصل 72 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...». با عنایت به این اصل اگر بخواهیم در محدوده حقوق داخلی و در زمینه محیط زیست قواعد و قوانینی وضع کنیم، آنچه وضع می‌شود نباید با احکام و قوانین اسلامی مغایر باشد؛ اما آیا می‌توان حکم مسائل مبتلا به عصر حاضر از قبیل آلودگی‌ها، باران‌های اسیدی، تخریب جنگل‌ها و از بین رفتن لایه اوزون را در احکام اسلامی یافت و در صورت مثبت بودن پاسخ، چگونه؟

5-3. احکام محیط زیست

مشکلات نوظهور محیط زیست موضوعات نوپیدای بدون سابقه بوده که مصادیق آن در گذشته وجود نداشته است اما، با توجه به جامعیت و خاتمیت دین مبین اسلام و مفهوم آیه 89 از سوره نحل که می‌فرماید: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (این کتاب را که بر تو نازل کردیم بیانگر همه چیز است) پاسخ سؤال بالا می‌تواند مثبت باشد، به ویژه اینکه پیامبر اسلام (ص) در حجة الوداع فرمودند: هر چه را مردم تا روز قیامت به آن احتیاج دارند، بیان کردم و از چیزی فروگذار نکردم (الجزیری، 1975: 212). با توجه به آیه مذکور و سخن پیامبر اکرم (ص)، در مبانی فقه اسلام می‌توان در جستجوی احکامی بود که به مسائل محیط زیست مربوط می‌شود.

قبل از مطالعه این احکام باید متذکر شویم که بر اساس یک تقسیم بندی کلی در اسلام احکام دو دسته اند: یک دسته احکام خاص و صریح و دسته دیگر احکام عام و کلی. دسته نخست شامل احکامی است که یا به جنبه‌های ثابت و تغییر ناپذیر زندگی انسان در ارتباط با یکدیگر مربوط است، مانند ازدواج یا تنظیم کننده رابطه انسان با خداوند است، مانند: عبادات. این دسته از احکام، قوانین روشن و واضحی دارد و حکم آنها در قرآن و سنت و احادیث کاملاً بیان شده است. دومین گروه از احکام به این علت وضع شده است که نیازهای زندگی بشر در هر عصری متفاوت است و به این دلیل، وضع

احکام ثابت و تغییر ناپذیر برای آنها حکیمانه نیست؛ در نتیجه باید احکامی وضع شود که جنبه کلی داشته باشد و در هر عصر با نیاز انسان‌های آن عصر مطابق باشد. باید گفت که احکام مربوط به محیط زیست هم از گروه اول است و هم از گروه دوم، بدین معنی که نسبت به برخی از مسائل زیست محیطی که با زندگی و حیات بشر ارتباط مستقیم دارند، احکام اسلامی صریح و ثابتی وجود دارد و در مورد برخی دیگر از مسائل زیست محیطی باید با توسل به احکام کلی و عام، حکم موضوع و مسأله را یافت.

5-3-1. احکام خاص و صریح درباره محیط زیست

منظور آن دسته از احکام است که به صراحت درباره طبیعت بیان شده اند. در این مقاله مجال ذکر همه مصادیق احکام محیط زیست در اسلام مانند صید، شکارو... نمی باشد و تنها به نمونه‌هایی اشاره شده که مبین رویکرد کلی فقه اسلام به حقوق محیط زیست است.

در آیه 61 سوره هود آمده است: هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ... (او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و آبادانیش را به شما واگذاشت). بنابراین، شاید بتوان گفت اهداف زیست محیطی با هدف این آیه از قرآن مطابقت دارد. همچنین بر پایه مفهوم آیه، چون تخریب محیط زیست مخالف و منافی عمران و آبادانی است، باید از آن پرهیز کرد. در این باره از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که: «اگر قیامت برپا شود و در دست فردی نهالی باشد باید آن را بکارد» (نوری، 1987: 98). در آیه 49 سوره قمر نیز آمده است: إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (ما هر چیزی را به اندازه خلق کردیم). پس هر چیزی مقدار و حدودی دارد و باید به طور صحیح و درست مورد بهره برداری قرار گیرد تا نابود نشود؛ زیرا مواهب طبیعی فقط به نسل حاضر تعلق ندارد، بلکه به نسل‌های بعد نیز متعلق است. خداوند در آیه 8 سوره رعد می فرماید: وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (همه چیز در نزد او (خداوند) به اندازه است). همچنین در آیه 19 سوره حجر نیز آمده است: وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (و از هر گیاه مناسب در آن (زمین) رویاندیم). از این آیه چنین بر می آید که خداوند روییدنی‌ها را متنوع و مناسب آفریده است. در آیه 53 سوره طه نیز خداوند می فرماید: الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن تَبَاتِ شَجَرٍ (آنکه زمین را برای شما گسترده گردانید و برای شما در آن راه‌هایی قرار داد و از آسمان آبی فرستاد پس بدان جفت‌هایی از گیاهان گوناگون برون آوردیم). بنابراین، انسان جزئی از این هستی است و البته، جزء ممتاز و برجسته آن که ارتباطش با هستی باید همان باشد که قرآن بیان می‌کند.

از آنجایی که آب مهمترین عنصر حیات موجودات به شمار می آید، اهمیت آن در آیاتی از قرآن کریم به شرح ذیل آمده است:

آیه 30 سوره انبیاء: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم). در آیه 164 سوره بقره آمده است: وَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (و در آبی که خداوند از آسمان فرو فرستد تا بدان زمین را پس از مرگش زنده سازد و در آن از هر جنبنده ای بپراکند و در گردش بادها و ابری که میان آسمان و زمین مسخر است، همانا آیتهایی است برای قومی که به خرد یابند). همچنین در آیه 99 سوره انعام خداوند می فرماید: وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ (و اوست آنکه از آسمان آبی فرستاد تا برون آوردیم با آن هرگونه رویدنی را).

درباره منافع دیگر آب نیز در قرآن آیات چندی وجود دارد که به اهمیت این مایع حیاتی در زندگی بشر و سایر جانداران اشاره کرده است؛ از جمله آنها آیه 14 سوره نحل است که به طور کلی به اهمیت دریا از نظر ارتباطی، تغذیه و حتی استخراج زیور اشاره دارد. همچنین در آیه 96 سوره مائده آمده است: أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ (برای شما حلال شد صید از دریا و خوردن آن).

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که مردم در سه چیز شریکند: آب، چراگاه و آتش (نوری، 1987: 114). با توجه به این حدیث پیامبر آب متعلق به همه است و کسی نمی تواند آن را کلاً به مالکیت خود درآورد و از آن هرگونه که خواست بهره برداری کند. همچنین با توجه به اهمیتی که آب در زندگی موجودات دارد و چون استفاده از آب از حقوق عام است، کسی نمی تواند و نباید آن را آلوده کند؛ زیرا در این صورت به حقوق دیگران تجاوز کرده است.

5-3-1-2 عناصر طبیعت در نگاه معصوم و احکام اسلامی

علاوه بر آیات قرآنی که به برخی از آنها اشاره شد، علمای اسلامی نیز موضوع طبیعت را مورد توجه قرار داده و در کتب خود از آن صحبت کرده اند؛ برای نمونه، محقق حلی که از فقه‌های بزرگ شیعه محسوب می‌شود در این مورد می‌گوید: یکره قطع الاشجار و رمی النار و تسلیط المیاه الّامع الضروره (محقق حلی، 1373: 62) قطع کردن درختان و پرتاب آتش و بازکردن آب بر روی دشمن، در جنگ مکروه است مگر در صورت ضرورت. بنابراین، اگر در زمان جنگ قطع کردن درختان و... مکروه دانسته شده است، حکم آن به طریق اولی در زمان صلح شدیدتر است. همچنین در جواهر الکلام برای اثبات بیان محقق حلی روایاتی آمده است که از آن جمله این روایت است از

امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: رسول خدا (ص) هنگامی که لشکری را برای جهاد می‌فرستاد فرمانده لشکر را دعوت می‌کرد و او را در کنار خود می‌نشاند و یارانش را در مقابل خود قرار می‌داد و سپس می‌فرمود: به نام خدا و به یاری او و در راه خدا و بر دین رسول خدا(ص) به سوی جهاد حرکت کنید. پیمان شکنی نکنید و به زنجیر نکشید و مثله نکنید و هیچ درختی را قطع نکنید؛ مگر اینکه ناچار شوید و اشخاص پیر فرتوت و بچه‌ها و زنان را نکشید. در روایت دیگری نیز از امام صادق(ع) نقل شده است که پیامبر اسلام (ص) هنگامی که فرماندهی را برای جهاد اعزام می‌داشت می‌فرمود: «... درخت نخل را آتش نزنید و آن را در آب غرق نکنید و درخت باروری را قطع نکنید و زراعتی را نسوزانید؛ زیرا شما نمی‌دانید، شاید در آینده بدان محتاج شوید و چهار پایان حلال گوشت را نکشید مگر این که برای غذایتان ناچار شوید» (نجفی، 1976: 66-67). باز در جای دیگری روایت شده است که امام صادق (ع) فرمودند: «درختان را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب می‌فرستد» (حرعاملی، 1993: 198).

البته اگر نسبت به قطع درختان در روایات چنین برخورد شدیدی به چشم می‌خورد، به این علت است که اسلام در سرزمینی ظهور کرد که از جنبه آب و هوایی خشک و صحرایی است و در آن فضای سبز و آب شیرین بندرت یافت می‌شود و روشن است که در این محیط از بین بردن یک درخت و یا یک قنات آب برای ادامه حیات مردمی که پیوسته در حال کوچ و در جستجوی آب و چراگاه برای خود، دام‌ها و شترانشان بودند چه مشکلاتی را به وجود می‌آورد. و در چنین محیطی اگر درختی از بین برود یا نهر و یا قنات آبی آلوده و یا خراب شود، بازسازی آنها در کوتاه مدت امکان پذیر نیست، اما در محیط‌هایی که در آنها درختان فراوانی یافت می‌شود و امکان جایگزینی درختان و همچنین رشد سریع آنها وجود دارد، قطع کردن درختان برای اهداف اقتصادی، از جمله ساختن کاغذ و یا اشیاء چوبی مشکل‌چندانی ایجاد نخواهد کرد (تقی زاده انصاری، 1374: 40). از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «قطع درخت سدر در بیابان مکروه است، زیرا این درخت در بیابان کم یافت می‌شود؛ اما در اینجا (مدینه) اشکالی ندارد» زیرا در اینجا به فراوانی یافت می‌شود (حلی، 1373: 199). در همین باره پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمودند: «یا علی بیرون برو و از قول خدا، نه رسول خدا، بگو که: خداوند لعنت کرده است کسی را که درخت سدر را قطع کند» (محمدی ری شهری، 1362: 95).

5-3-1-3 احیاء موات

احیاء موات اصطلاحی است در فقه به معنی آباد کردن زمین بایر بی مالک و ناسودمند که پس از آباد کردن آن مالک می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بنماید از جمله

درختکاری، کشاورزی و ... باید توجه داشت که این حکم به معنی تصرف بی حد و مرز طبیعت و محیط زیست نبوده، بلکه به منظور استفاده بجا و صحیح از منابع طبیعت است و اسلام پیروان خود را از هرگونه افراط و تفریط در زندگی برحذر داشته است و از جمله مصادیق احیاء موات درختکاری است.

درختکاری از راه‌های احیای زمین‌های موات و یکی از اهداف مهم زیست محیطی است و امروز نیز جنبش‌های کویرزدایی که در اقصی نقاط دنیا و همچنین کشور ما به وجود آمده این عمل را با کاشتن درختان به انجام می‌رساند و از بین نبردن درختان نیز که در صدر جنبش زیست محیطی عالم قرار دارد، به همین هدف بوده و در اسلام نیز بر آن تأکید فراوان شده است. یکی دیگر از روش‌های احیای زمین، زراعت و کشاورزی است که در مورد آن توصیه‌های فراوانی در اسلام به عمل آمده است و روایاتی نیز درباره آن وجود دارد که از آن جمله روایت امام صادق (ع) است که فرموده اند: «از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد که چه مالی بهتر است؟ فرمودند: زراعتی که کشاورزی بکارد و آن را اصلاح کند و درهنگام برداشت، حق آن را بپردازد» (همان: 212).

روایت دیگری نیز از امام صادق (ع) وجود دارد که «کشاورزان گنج‌های مخلوقاتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند آفریده است می‌کارند و در روز قیامت جایگاهی نیکو در قرب الهی دارند و آنان را به نام اشخاص مبارک (پیر برکت) می‌خوانند» (حرعاملی، 1993: 194). در همین باره امام باقر (ع) از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده‌اند که حضرت فرمودند: «کسی که آب و خاکی بیابد و با وجود آن فقیر باشد (زراعت نکند)، خداوند او را از رحمت خود دور گرداند» (محمدی ری شهری، 1363: 213) و از پیامبر (ص) است که فرمودند: «هرگیاهی که کاشته می‌شود، فرشته‌ای نگهبان آن می‌شود تا زمانی که به ثمر برسد. پس هرکس آن را زیر پا له کند، فرشته نگهبان او را لعنت می‌کند» (همان: 95). بدین ترتیب شاهدیم که در اسلام درباره محیط زیست و حفاظت از طبیعت احکام تفصیلی وجود دارد.

5-3-1-4 قطع درختان در قرآن

در یکی از رویدادهای تاریخ اسلام که منجر به جنگی میان یهودیان و مسلمانان گردید برخی از متون تاریخی به قطع درختان از سوی مسلمانان اشاره کرده‌اند و برای تأیید مدعا آیه پنجم سوره حشر را مبنا قرار می‌دهند: *مَاقَطَعْتُمْ مِّن لِّينِهِ أَوْ تَرَکْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ (سوره حشر، آیه 5) یعنی آنچه از درختان بریدید و آنچه به جای نهادید همه به خواست خدا بود. برخی چنین می‌پندارند که این آیه قطع درختان از سرزمین مغلوب (دشمنان یهودی) را مجاز شمرده است. در حالی که منظور آیه خرماهایی است که بر درختان قرار دارد. در این آیه استفاده از محصول موجود بر*

درختان را برای تغذیه به سربازان مجاز شمرده و به هیچ وجه قطع درختان که از مصادیق فساد در ارض است مجاز شمرده نشده است (محقق داماد، آذرماه 1389).

5-3-2. احکام کلی و عام درباره محیط زیست

هدف اصلی از حفاظت محیط زیست جلوگیری از صدمه و آسیب رسیدن به عناصر طبیعی (آب، خاک، هوا و موجودات زنده) است و هر عملی که بر خلاف آن صورت گیرد باید مورد تعقیب و پیگرد قرار گیرد.

کارولین مرچنت، استاد فلسفه و تاریخ در دانشگاه برکلی آمریکا در مورد عقاید مسلمانان نسبت به محیط زیست چنین می‌گوید: اسلام نمونه درخشانی از آگاهی‌های اکولوژیک بدست می‌دهد که کیهان طبیعت و محیط، همگی آیاتی از آفریدگار جهان می‌باشند. در روی زمین هیچ دینی بر ضد تخریب محیط زیست و حیات جانداران، همچنین در برابر نابودی منابع و ثروت طبیعی اعطایی خداوند، چنین ندایی روشن نیامده است (شکوئی، 1382: 65).

در اسلام احکام کلی و عامی وجود دارد که می‌توان با استناد به آنها به هدف مذکور رسید؛ چرا که این احکام را بنا به مقتضیات زمانی می‌توان با مسائل روز تطبیق داد و اصولاً علت وجودی آنها حل مشکلاتی است که با گذشت زمان به وجود می‌آید و البته، وجود چنین احکامی برای هر سیستم حقوقی که ادعای کامل بودن و قابل انطباق بودن با هر زمان و مکان و هر جامعه‌ای را دارد، لازم است. یکی از این موارد قاعده لاضرر است.

5-3-2-1. قاعده لاضرر

این قاعده در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است (محقق داماد، 1363: 156). به موجب این اصل، در اسلام، ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد، چه در مرحله وضع قانون و چه در مرحله اجرای آن؛ بنابراین، اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود ضرر به فرد یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب ایراد ضرر گردد، از نظر اسلام مشروعیت ندارد.

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه می‌توان بین اصل تسلیط که بر مبنای آن هر فردی مختار است در اموال خود هرگونه تصرفی که می‌خواهد انجام دهد و از جمله در حوزه مالکیتش به قطع درختان و اشجار و یا آلوده کردن آب جاری و یا هوا بپردازد و اصل لاضرر جمع کرد؛ در حالی که ممکن است این دو اصل در مواردی با یکدیگر در تعارض باشند.

در پاسخ باید گفت که استفاده از اصل تسلط که در عبارت «الناس مسلطون علی اموالهم» گنجانده شده است تا زمانی امکان‌پذیر است که بین آن و اصل لاضرر تعارضی

به وجود نیاید و در غیر این صورت، اصل لاضرر مرجح است؛ زیرا حقوق جامعه و جمع بر حقوق فرد اولویت دارد و بنابراین اگر بین این دو حق تعارض ایجاد شود، احکامی که ناظر به حقوق جمع و جامعه هستند، اجرا می‌شوند. اولیت حقوق جامعه بر حقوق فردی آنچنان اهمیت دارد که برای دفاع از حقوق جامعه می‌توان در ملک فرد نیز دخالت کرد و از وقوع یا استمرار عملی که باعث تخریب یا آلودگی محیط زیست می‌شود ممانعت به عمل آورد؛ که این عمل نه فقط منافع جامعه را تأمین می‌کند، بلکه در دراز مدت منافعی را نصیب مالک نیز خواهد شد. علت این تقدم و ارجحیت آن است که در حالت ورود ضرر و همچنین در حالت کسب منفعت، یک ضرر و یک نفع از ضرر و نفع دیگر کم اهمیت تر است به عبارت دیگر اگر فرد از قطع نکردن درختان خودش متحمل ضرری شود و در مقابل از قطع و فروش آنها منفعتی کسب کند، این ضرر و منفعت در برابر ضرر و منفعت جامعه بسیار کوچک است و به این علت، اهم بر مهم ترجیح داده می‌شود؛ زیرا عقل سلیم نیز حکم می‌کند که مصالح و منافع جمع بر مصلحت و منفعت فرد مقدم باشد. نتیجه کلام آن که مجتهدین و علمای دینی می‌توانند و باید با توجه به این اصول مسائل زیست محیطی را که از پدیده‌های جدید عصر ماست حل و فصل کرده، احکام راجع به آن را بیان کنند تا هرکسی که برخلاف آنها رفتار کند کیفر ببیند (تقی زاده انصاری، 1374: 43).

علاوه بر قاعده لاضرر، ابواب دیگری نیز وجود دارد که با ارجاع و استناد به آنها می‌توان مانع اجرای اعمالی شد که باعث تخریب محیط زیست می‌شوند. این ابواب عبارتند از: انفال، مشترکات عمومی، اصل دخالت دولت و مصلحت نظام.

1. انفال. خداوند در آیه 1 سوره انفال می‌فرماید: *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ* (درباره انفال از تو می‌پرسند، بگو انفال از آن خدا و پیامبر است). فقها درباره مصادیق انفال برداشت‌های گوناگونی دارند که ناشی از مقتضیات هر زمان و مکان و نیاز اجتماعی مردم در هر دوره‌ای بوده است (خامنه‌ای، 1370: 60).

به طور کلی مراد از انفال، اموال عمومی است که به فرد یا افراد مشخصی تعلق ندارد؛ مانند اراضی موات، سواحل دریاها، کوه‌ها، بیابان‌ها، معادن، جنگل‌ها، مراتع و بیشه‌ها، فضا، هوا و آب‌های زیرزمینی. اگر مسائل مربوط به برخی از این مصادیق در روایات ائمه (ع) یا گفتار فقه‌ها نیامده، به دلیل عدم ابتلا به آنها در آن عصر بوده است و به این معنا نیست که نمی‌توان این اموال عمومی را از مصادیق انفال محسوب کرد (فیص، 1375: 280).

در فقه شیعه مقصود از انفال کلیه اموال عمومی است که خداوند آنها را برای بندگان خلق کرده است؛ یعنی اموالی که ساخته دست بشر نیست و به شخص خاصی نیز تعلق ندارد. این اموال به امام و رهبر جامعه مسلمین تعلق دارد. بدین معنا که او

می‌تواند برای حفظ نظم و عدالت و جلوگیری از هرج و مرج و تضييع حقوق از آنها استفاده کند (منتظری، 1370: 349).

از جمله مصادیق انفال کلاء یا مراتع طبیعی است. این مراتع نه فقط از اموال عمومی (انفال)، بلکه از مشترکات نیز هست و کسی نمی‌تواند آنها را به خود اختصاص دهد مگر به عنوان حکومتی و برای استفاده عموم (منتظری، 1371: 30).

با توجه به اینکه حقوق محیط زیست نیز مصادیق مذکور را مورد توجه قرار می‌دهد، می‌توان گفت که موضوعات محیط زیست با مسائل باب انفال کاملاً مشابهت دارد و در این چهارچوب، می‌تواند مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

2. مشترکات عمومی. همان اموال عمومی می‌باشد که در استفاده از آنها همه مردم از حقوق متساوی برخوردارند. این اموال انتقال پذیر نیستند و همه مردم نسبت به آنها یا دارای حق انتفاع و یا حق ارتفاقند. مانند حقی که مردم در استفاده از پارک‌ها، خیابان‌ها، مدارس، پل‌ها، هوا، نور و خورشید دارند و یا این که می‌توانند با شرایط خاصی از آنها بهره برداری کنند (ر.ک، کاتوزیان، 1384: 258). برای این امر فقه‌ها شرایطی را مقرر کرده‌اند، از جمله عدم اضرار به غیر، عدم مزاحمت برای دیگران و عدم استفاده بیش از نیاز. دولت نیز که حافظ منافع عمومی و جامعه است، مسئولیت دارد بر این امر نظارت کند و مقرراتی را در این باره وضع کند، چنان که در کتاب آیین شهرداری آمده است: و «نیز باید که محتسب بازاریان را به جارو کردن و نظیف بازار از کثافات انباشته که مردم را زینابخش است فرمان دهد...» (قرشی، 1367: 95) و «باید که محتسب قصابان را نگذارد تا بر در دکان‌هایشان کشتار کنند؛ زیرا راه به خون و سرگین آلوده می‌شود که ناشایست و ممنوع است و معبر عمومی تنگ و تراوش کثافت به جامعه مردم سبب اضرار می‌شود» (همان: 121) و «اگر کارهایی که گفته شد مرتکب شود، محتسب او را تعزیر خواهد کرد» (همان: 95).

3. اصل دخالت دولت و مصلحت نظام. دولت از یک سو مجری احکام ثابت است و از سوی دیگر واضع مقرراتی است که بنا به ضرورت اجتماعی و طبق شرایط روز باید تدوین و اجرا شود.

اگر حاکم جامعه اسلامی نتواند براساس اصول و موازین فقهی حکم موضوعی را تعیین کند، به اصل دخالت دولت و مصلحت نظام متوسل می‌شود. براساس این اصل، هرگاه بین دو یا چند قاعده و قانون، تعارض و اختلافی پیش آید، آن قاعده و قانونی باید مورد استناد قرار گیرد که منافع جامعه را به‌ترو بیشتر حفظ می‌کند. مثلاً اگر بین یکی از اصول و قوانین زیست محیطی و یکی از قوانین جامعه تعارضی پیش آید، حاکم با توجه به اصل منفعت عمومی باید ببیند که کدامیک بیشتر حافظ منافع همگانی است و چون

قوانین زیست محیطی، منافع جامعه را بیشتر از منافع خصوصی تأمین می‌کند، حاکم باید به آنها استناد کند(تقی زاده انصاری، 1374: 45).

6. نتیجه گیری

حفظ و بهبود محیط زیست یکی از اهداف اساسی کشورهای دنیا امروز می‌باشد. و در واقع مهمترین دغدغه قرن حاضر دولت‌های بین‌المللی به شمار می‌آید و به تبع نیل به آن قوانین حمایتی مختلفی از سوی دول جهانی وضع گردیده است و بشریت می‌کوشد تا از تخریب هرچه بیشتر عناصر زیست محیطی بکاهد و اهرم اجرای تمام این تصمیمات به قوانین مصوب کشورها بستگی دارد.

آنچه ما را احاطه کرده، آنچه ما بر آن اثر می‌گذاریم و آنچه ما را متأثر می‌سازد تشکیل دهنده محیط زیست ما است بر این اساس همسایه ما، خانه ما و کوچه، خیابان و... به همان اندازه به محیط زیست ما تعلق دارند که جنگل‌ها و پرندگان قسمتی از محیط زیست ما را تشکیل می‌دهند. همچنین خورشید، ماه، سیارات، آب و هوا، همه و همه عوامل و بخش‌هایی از محیط زیست ما می‌باشند.

با توجه به مطالب عنوان شده در این تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت، که احکام فقه اسلامی از حفظ محیط زیست و عناصر موجود در آن حمایت کرده و بر آن تأکید می‌ورزد و از آن جایی که حفظ محیط زیست نیازمند اعمال قانون و ابزارهای مربوط به آن همچون تصویب قوانین داخلی کشورها و پذیرش معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. به نظر می‌رسد اشاعه و گسترش مصادیق موجود در حقوق محیط زیست (لزوم مقابله با هر آلاینده نوظهور) با ماده 72 قانون اساسی (عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلامی) تعارض نداشته و با ملاحظه این که تصویب قوانین در کشورهای اسلامی می‌بایست لزوماً مبنای شرعی داشته باشد، همسویی نگرش مردمی با قوانین مصوب می‌تواند نتیجه‌ای مثبت در اجرای قوانین را به همراه آورد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران مطابق با اصل پنجاهم قانون اساسی می‌تواند الزامات ناشی از تعهدات بین‌المللی در خصوص حفظ محیط زیست را اجرا و از تلاش انجمن‌های فعال در این رابطه نیز حمایت نماید، چرا که مبنای فقه اسلامی تا جایی که مصادیق مبتلا به آن عصر وجود داشت و در این مقاله نیز ذکر گردید، احکام حمایتی را براساس اصول و قواعدی ثابت جعل و ابلاغ کرده که تطبیق سایر مصادیق نوظهور همچون آلاینده‌های صنعتی زیانبار و... را می‌توان بر مبنای آن استوار ساخت.

7. منابع

1. قرآن کریم
2. الجزیری، ع (1975)، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، داراحیاء التراث العربی.
3. بهرام سلطانی، ک (1365)، *مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست*، انتشارات تک.
4. تقی زاده انصاری، م (1374)، *حقوق محیط زیست در ایران*، سمت.
5. خامنه‌ای، م (1370)، *مالکیت عمومی*، انتشارات تک.
6. حبیبی، م (1384)، *حقوق محیط زیست*، انتشارات دانشگاه تهران.
7. الحر العاملی، م (1993)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، موسسه آل البیت.
8. شکوئی، ح (1382)، *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.
9. فیض، ع (1375)، *مبادی فقه و اصول*، انتشارات دانشگاه تهران.
10. قرشی، م (1367)، *آیین شهرداری*، انتشارات علمی و فرهنگی.
11. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (1368)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
12. کاتوزیان، ن (1384)، *مقدمه علم حقوق*، شرکت سهامی انتشار.
13. لواسای، ا (1372)، *کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو*، انتشارات وزارت امور خارجه.
14. محقق ح (1373)، *شرایع الاسلام مسائل الحلال و الحرام*، انتشارات استقلال.
15. محمدی ری شهری، م (1362)، *میزان الحکمه*، مکتب الاعلام الاسلامی.
16. منتظری، ح ع (1370)، *کتاب الخمس*، انتشارات اسلامی.
17. مدنی، ج (1370)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، نشر همراه.
18. منتظری، ح ع (1371)، *مبانی حکومت اسلامی*، انتشارات تفکر.
19. محقق داماد، م (1363)، *قواعد فقه*، انتشارات علوم اسلامی.
20. نجفی، م (1976)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بی تا، بیروت.
21. نوری، م (1987)، *مستدرک الوسائل*، دار احیاء التراث العربی.
22. Despax, M.; 1980, *Droit de penvironnement*; Kitec, Paris
23. Prieur, Michel; 1984, *Droit de Penvironnement*; Dalloz, Paris